

متن پرسش

با عرض سلام خدمت استاد گرانقدر و با تشکر از شما به خاطر مطرح کردن مباحث «حکمت جهان بین دو جهان» در راستای فتح تکنیک انیمیشن توسط انقلاب اسلامی لطفا راهنمایی بفرمایید. «آدمی در عالم خاکی نمی آید به دست عالمی دیگر نباید ساخت و از نو آدمی» در چنین عالمی صحبت از حقایق حسی و حاضر است که آدمی را در شأن حقیقی خودش یعنی انسانیت گم‌شده حاضر می‌کند. و انیمیشن تلاش می‌کند چنین عالمی را برپا کند و انسانیت را از نو بسازد. در همین راستا با برپایی عالمی خیال‌انگیز قوانین ذهنی مخاطب را در هم می‌شکند و در آن، معانی را دوباره بازیابی می‌کند تا حقایق مثل دوستی، انسانیت، وفاداری، قدرشناسی که در دنیای روزمره مورد غفلت واقع می‌شوند، برای گشایش در جریان داستان به صحنه بیایند و ارزش آنها دوباره توسط مخاطب کشف شوند. روح و جان انیمیشن بر تکنیک اغراق استوار است. تکنیکی که تلاش می‌کند با ایجاد جذابیت به ادراک مخاطب وضوح ببخشد و با غرق کردن مخاطب، او را از ظاهر عبور دهد و به باطن برساند. اما در انقلاب اسلامی که داستان‌ها در عالم نور برپا می‌شود و عالم خیال راهی به سوی حقایق نورانی عقلی دارند، جایگاه تخیل فراتر است و اشاره به حقایق دارد. عالم انقلاب اسلامی نه به گذشته رجوع دارد و نه به خیال دنیای مدرن، بلکه جهانی است بین دو جهان و مناسبات و ارتباطات خاص خود را دارد و نشان می‌دهد این نحوه از ارتباطات خبر از حقیقتی می‌دهد که در عالم جاری است. به همین خاطر وقتی نحوه ی حضور اولیاء الهی را در کتاب‌ها می‌خوانیم و نوع ارتباطاتی که با افراد و محیط پیرامون خود برقرار می‌کردند در عرصه خیال خود با صورت حقایق مانوس می‌شویم. به همین منظور عالم انقلاب اسلامی گم‌شده ی صنعت انیمیشن است. عالمی سراسر نور که خیال‌انگیزترین و حقیقی‌ترین است و پر است از ظرائف که فقط با زبان استعاره می‌شود به آن اشاره کرد. عالم رؤیت حقیقت غیب در جلوه ی زیباترین، که فقط از راه عشق ممکن است. عشق حواس ظاهری را مستغرق می‌کند و انسان را از ظاهر به باطن عبور می‌دهد. جذبه‌های عشق و تجلی توحید، عالم خیال‌انگیزی را برای شخصیت داستان رقم می‌زند و او را با حقایق مانوس و مرتبط می‌کند. از طرفی عشق به حقیقت، که در پرتو نور انقلاب اسلامی در جان‌ها تاییده شده، خبر از احسن القصص و زیباترین روایت‌ها می‌دهد. عشق همیشه به حسن تعلق می‌گیرد و به قبح تعلق نمی‌گیرد. انقلاب اسلامی عالم احسن القصص است و قصه‌های آن بهترین نوع بیان عشق هستند. عشقی که از فراق خانواده‌ها و وصال امام و بسجی‌ها در جبهه‌ها و جذبه‌های معشوق ازلی و ابدی در حضور شهادت‌گونه روایت می‌کند. و پُر است از «إذا السماء انشقت»، از لحظات اضطراری که آسمان قلب‌ها شکافته می‌شود و نور

حقیقت به قلب می تابد. اما چنین عالم غیبی چطور در انیمیشن رؤیت می شود؟ غیبی که دیده نمی شود ولی شخصیت داستان تلاش می کند با نحوه ارتباطات نو و پاکی که با خودش، خدا و خلق خدا برقرار می کند، از حضور در حریم کبریا پیش محروم نشود. تکنیک اغراق در انیمیشن و خلاقیت در آن می تواند مسئولیت ظهور زیبایی چنین حریمی را بر عهده بگیرد، زیرا که حریم، نحوه ی ارتباط وجودی انسان است با حقیقت از درون تا بیرون. جنس چنین اغراقی بسیار مهم است زیرا در خلق فرم و حرکت، جهت گیری و حدود چنین اغراقی در نسبت با حقیقت، خود را می یابد و معنی می شود. چنین اغراقی که شیفتگی است و از جوشش عشق درونی نسبت به حقیقت ظهور می کند، نه تنها بر کثرت بیان نمی افزاید بلکه وحدت اثر هنری را تشدید می کند. و تکنیک و جنس اغراق شاعرانه در جایگاه حقیقی خود قرار میگیرد. از طرفی خلاقیت و جستجوی فرم در طراحی چنین عالمی، با معرفت نسبت به مناسبات آن ظهور میکند. و امید است تکنیک انیمیشن در آرزوی بیان " ما عرفناک حق معرفتک " باشد. و وجود هنرمندان، در پرتوی ایجاد چنین خلاقیتی متعالی می شود. برای مثال در چنین عالمی شخصیت داستان، در ارتباط با مادر، با شأن و مقام مادر در هستی مرتبط می شود. خلاقیت در فرم ظهور شأن در این ارتباط، خود معنا است. یا به عبارتی خلاقیت ظهور معنا است. و بیان در حفظ احترام آن هر چند اغراق آمیز می نمایاند اما از بیان حقیقت در مانده است. مانند خم شدن فرزند در بوسیدن دست مادر. اینکه اغراق باعث توجه به اهمیت مساله شود، خود، حقیقت است. وقتی نماز ظهر عاشورا در هجوم حمله ی دشمن اقامه می شود. و یا عبارت «هل من ناصر ینصرنی؟» برای در معرض هلاکت شوندگان ظهور می کند. حقیقت است خودش در اغراق (برای مستغرق کردن) تجلی می کند. و این همان توحید است. همان حرکت حبی است. این مساله که آیا «تقوی باعث اغراق در تصویر می شود؟» نیز تفکر برانگیز است. نحوه ی سجده کردن امام خمینی در بستر بیماری حسی از اغراق در پرستش را منتقل می کند. و چه اغراق قشنگی زمانی که به پیشگاه بزرگی چنان با حس پرستش خود را به سجده می اندازند. بیننده خوش توفیق هم که از تصاویر دوربین مدار بسته می بیند، مستغرق می شود و به شهود می رسد. الحمدلله رب العالمین و در هر صورت همین که حقیقتی هست که در نسبت با او رفتارها خیال انگیز می شود جایگاه اغراق را مشخص می کند. در نهایت نحوه ی اغراق و جهت گیری اغراق و باطنی که به سوی او اشاره دارد همگی می تواند مخاطب را مستغرق در عبودیت جاری در صحنه کند و از ارزشها صحبت کند.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: خداوند می فرماید: «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ» (حجر/۲۱) هیچ چیزی در این عالم که ما با آن روبه رو هستیم، نیست مگر آن که اصل و حقیقت آن نزد خداوند می باشد که همان وجه فوق حسی و گشوده آن چیز است، وجهی که با اشارات می توان با آن روبه رو شد و جهان کمی خود را به جهانی کیفی تبدیل نمود. و حقیقتاً همان طور که

فرموده‌اید این زبان استعاره است که در این رابطه معجزه می‌کند و صنعت انیمیشن می‌تواند از طریق صحنه‌هایی خاص، اشاره‌کننده به چنین جهانی باشد. در بحث خود به خوبی جایگاه انقلاب اسلامی و رسالتی که در دل این انقلاب برای ساختن انسانی نو مدّ نظر است را به میان آوردید تا به گفته خودتان انسانیتی نو مطابق طلب انسان آخرالزمانی به میان آید. موفق باشید.